



سلام بر حیدر بابا

ترجمه‌ی منظوم
حیدر بابایه سلام

استاد شهریار

◆ ترجمه‌ی منظوم: حسن شادبه (چینی فروشان)

فهرست

۱۱	از منظر بزرگان
۳۵	مقدمه‌ی مترجم
۳۸	سلام بر حیدریابا
۷۹	توضیحات

ابوالفضل علی محمدی

همراه کاروان سالار شعر و ادب

حیدر بابا، قارلی داغلار آشاندا،

گنجه کروان یولون آزیب، چاشاندا،

من هارداسام، تهراندا یا کاشاندا؛

اوزاقلاردان گوزوم سچر اۇنلاری،

خیال گلیب، آشیب، گنچر اۇنلاری.

ترجمه :

وقت گذر زِ گردنهی تندِ برفگیر،

چون کاروان به شب رسد و گم کند مسیر،

تهران اگر نشینم و کاشان به ناگزیر،

چشم نزار بیند و آگه کند مرا،

بیکِ خیال خیزد و همره کند مرا.

در فاصله‌ی زمانی بین ترجمه‌ی به نثر "حیدر بابایه سلام" توسط خانم‌ها دولت‌شاهی و هادی تا آخرین ترجمه‌ی آن تا به امروز که توسط آقای مهندس حسن شادبه انجام گرفته، ترجمه‌های متعدّد دیگری نیز از این اثر جهانی شهریار، ارائه شده است، ترجمه‌هایی که هر کدام ویژگی خاص خود را داشته و به فهم متن اصلی کمک کرده اند. بحث ارزش‌گذاری فنی و ادبی و هنری ترجمه‌ها، موضوعی است که فعلاً قصد پرداختن به آن را ندارم، چرا که نوستالژی نهفته در برخی از بندهای حیدر بابایه سلام حقیقتاً قابل انتقال نیستند. اما از مجموع هفت یا هشت ترجمه‌ای که آن‌ها را دقیق خوانده و با مترجمینشان که همه ادیب و شاعر و ترک زبان بوده‌اند آشنایی پیدا کرده‌ام، مهندس شادبه و ترجمه‌ی ایشان را يك استثنا یافته‌ام. ایشان نه ترک‌زبانند و قه در مفهوم شناخته شده و آکادمیک آن ادیب و شاعر، مهندسی اصفهانی الاصل هستند که ترکی را از روی عشق و علاقه یاد گرفته و دست به ترجمه‌ی اثری زده‌اند که به واقع تحسین ادیبان و همزبانان خود و شهریار را در پی داشته است.

افتادگی و فروتنی ایشان نه تنها در حوزه‌ی وسیع تخصصی‌شان که حدیث مفصلی‌ست و از زبان همکاران و کارمندان‌شان باید شنید، بلکه در حوزه‌ی ادبی و کار ترجمه هم چشم‌گیر است که اگر اصرار دوستانشان نبود، حتی یه چاپ این اثر نیز رضایت نمی‌دادند.

مهندس شادبه که به جهت مقتضیات تخصصی‌شان، چندین سال است که از گردنه‌های برف‌گیر آذربایجان عبور کرده و کوه‌ها و جاده‌های پر جاذبه آن را به همراه شخصیت‌های فرهنگ‌سازش به تماشا نشسته‌اند، خود مصداقی از این بند حیدر بابا را به خاطر می‌آورند که اگر در تهران، کاشان و یا اصفهان هم می‌باشند، با پیک خیال خود کاروانیان کاروانسار شعر و ادب این دیار - زادگاه شهریار اجلل - را همراهی کرده و در این همراهی، تنها هم‌زبانی نه، بلکه هم‌مدلی نیز نموده‌اند.

اگر نگویم ترجمه‌ی تمام بندها، ولی به جرأت می‌توانم بگویم که ترجمه‌ی برخی از بندهای این ترجمه در مقایسه با دیگر ترجمه‌ها از جهت القاء همان حس و مفهوم نوستالژیک، در سطح مطلوب‌تری قرار دارد. مثلاً در بند:

منیم آتام سوّفره لی بیر کیشی ایدی،

اثل الیندن توتماق اونون ایشی ایدی،

گوزلترین آخره قامیش ایدی،

اؤنن سؤرا دؤنرگه لر دؤندؤرلر،

محبّتین چیراخلاری سؤندؤرلر.

ترجمه‌ی ایشان بیشتر از ترجمه‌های دیگر حسرت گذشته‌گرایی را که درون مایه اصلی حیدر بابایه سلام است به خواننده منتقل می‌سازد:

یاد از پدر کنم که چه مردی کریم بود،

عشقش کمک به خلق خدای رحیم بود،

دردانه یادگار ز نسل قدیم بود،

او رفت از میان و دگر گشت روزگار،

خاموش شد چراغ محبت در این دیار.

نظیر این ترجمه‌های زیبا در کتاب مهندس شادبه کم نیست اما آنچه که به عنوان حرف نهایی در مورد مترجم محترم قابل ذکر می‌دانم، پویایی و کنکاش مدام ایشان در جهت رفع ضعف‌ها و کاستی‌های چاپ قبلی است که در چاپ جدید از طریق اصلاح و جایگزینی برخی کلمات و در مواردی حتی یا تغییر یک یا دو سطر موجب نزدیکی هر چه بیشتر کل این ترجمه به متن ترکی "حیدر بابایه سلام" شده است.

توفیق هرچه بیشتر ایشان آرزوی قلبی دوستان و شاگردان و علاقه‌مندان استاد شهریار است.